



روش سیره نویسی اربلی در کشف الغمة (سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم)

پدیدآورده (ها) : باقری، رؤیا

علوم اجتماعی :: نامه جامعه :: تابستان 1394 - شماره 114

از 7 تا 28

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1119802>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 04/12/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

روش سیره نویسی اربلی در کشف الغمة (سیره نبوی ﷺ)

رؤیا باقری*

چکیده

علی بن عیسی اربلی (م ۶۲۰) از مورخان و ادیبان شیعی برجسته قرن هفتم است که عمر با برکتش به کاوش و تتبع و در نتیجه تعمیق و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام سپری شد؛ از این رو به حق می توان از او به عنوان محقق نام آور عالم تشیع، به خصوص در عرصه امامت و ولایت نام برد. پژوهش حاضر تلاشی است، برای روشن شدن شیوه تاریخ نگاری اربلی از خلال بررسی بخش سیره نبوی کتاب کشف الغمة که نخست از اربلی و جایگاه علمی و ادبی او سخن رفته و سپس به بررسی روش کار او در این کتاب - البته در محدوده سیره پیامبر صلی الله علیه و آله - می پردازد. اگر چه هدف اصلی اربلی در این کتاب، بررسی زندگانی ائمه علیهم السلام است و در طرح مباحث مربوط به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله با نگاهی استطرادی و طفیلی وارد بحث می شود؛ اما در همین نگاه، نکات قابل توجهی درباره شیوه و روش کار او در سیره نویسی به دست می آید. استناد به آیات و روایات، بهره گیری از اقوال اهل سنت، نقل اقوال مختلف در موارد اختلافی، استفاده از مباحث عمیق لغوی و ادبی، از نقاط قوت کار اربلی در این بخش از کتاب است. اعتدال و میانه روی در طرح مباحث، باعث مقبولیت و پذیرش کتاب اربلی برای همگان شده است. البته جایگاه اجتماعی اربلی و ارتباطی که با علما و بزرگان اهل سنت داشته نیز به این مقبولیت کمک کرده است. مورخان قرن هشتم به بعد از کتاب او (بخش سیره ائمه علیهم السلام) بهره فراوان برده اند، اما به دلیل نگاه اجمالی و مختصری که به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله داشته است، این بخش از کتابش مورد توجه قرار نگرفته و دیگران ترجیح داده اند به کتاب هایی مراجعه نمایند که از جهت پرداختن به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله کامل تر و غنی تر باشد.

واژگان کلیدی: کشف الغمة، اربلی، سیره نبوی، پیامبر صلی الله علیه و آله، تاریخ نگاری شیعه

* دانشجوی دکتری رشته تاریخ اهل بیت علیهم السلام جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله، دانش آموخته و پژوهشگر رشته تاریخ جامعه الزهراء علیها السلام.

مقدمه

تاریخ نگاری اسلامی با تدوین سیره پیامبر ﷺ توسط مورخینی چون عروة بن زبیر (م ۹۴)، ابان بن عثمان بن عفان (م ۹۶-۱۰۵)، محمد بن شهاب زهری (م ۱۲۴)، ابن اسحاق (م ۱۵۱) و... آغاز شد و به سرعت به رشد و کمال خود رسید. کتاب ابن اسحاق به دلیل نظم و سیر منطقی مباحث و شمول آن و کتاب مغازی واقدی (م ۲۰۷)، به سبب بررسی و تحلیل جنگ‌های رسول خدا ﷺ، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. در قرن چهارم و پنجم با تحولات مباحث کلامی، گرایش خاصی در سیره نبوی شکل گرفت که زندگانی رسول خدا ﷺ را از زاویه معجزات و کرامات می‌نگاشت که نتیجه آن، پیدایش کتاب‌هایی با عنوان دلایل نگاری است. مورخان چون خرگوشی (م ۴۰۷) و بیهقی (م ۴۵۸) از سردمداران این جریان بودند. پس از قرن پنجم، تحولی دیگر در سیره‌نویسی به وجود آمد؛ بدین صورت که افزون بر پرداختن به سیره حضرت، مسائل فقهی، قضایی و نظامی سیره نیز مورد توجه قرار گرفته بود. در این زمان هنوز مبنای کار مورخین نقل اخبار و گزارش‌ها بود، به همین جهت منابع قرن ششم از جهت مواد تاریخی، نکته نو و جدیدی ارائه نمی‌داد؛ اما از جهت دیدگاه‌های موجود در آن‌ها یا نقد و بررسی‌هایی که داشت، اهمیت پیدا کرد.

کتاب کشف الغمه اربلی، از جمله منابع تاریخی با ارزش قرن هفتم در موضوع، زندگانی و سیره معصومین ﷺ می‌باشد. اربلی در دورانی می‌زیست که بیشتر مناطق جهان اسلام در دست اهل سنت بود. در این زمان به دلیل تعصبات شدید و انکاری که نسبت به علی ﷺ و فرزندان حضرت وجود داشت، برخی نویسندگان در صدد اطفای مناقب و فضایل اهل بیت ﷺ بودند؛ از این رو مورخین شیعه نهضتی را در جهت ارائه محاسن و مناقب معصومین ﷺ و نصوص دال بر امامت آن‌ها آغاز کردند و طبیعی است که برخی از این مورخین، محور کار خود را سیره ائمه ﷺ قرار دهند و از کنار سیره پیامبر ﷺ با نگاهی اجمالی گذر نموده و بنا به اظهار خودشان، از باب تبرک و تیمن بدان بپردازند. این نگاه غیر استقلالی به سیره پیامبر ﷺ نتایج و آثاری را در شیوه تاریخ‌نویسی این نویسندگان به دنبال داشته است که این پژوهش به منظور دست‌یابی به شیوه سیره‌نویسی اربلی در کتاب کشف الغمه در بخش تاریخ پیامبر ﷺ تدوین شده است.

علی بن عیسی اربلی

ابوالحسن بهاءالدین علی بن عیسی بن امیر فخرالدین بن ابی الفتوح الشیبانی اربلی، از دانشمندان و ادیبان به نام قرن هفتم بود. (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵۲، ص ۱۶۲؛ الصفدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۲۵۱؛ الکتبی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۱۱۷) وی در فاصله میان سال‌های ۶۲۰ تا ۶۲۵ ق در اربل^۱ به دنیا آمد.

پدرش فخرالدین، از عرب‌هایی بود که در منطقه کردنشین هکاریه^۲ سکونت داشت. وی در دوران تاج‌الدین بن صلیا (م ۶۵۶) امارت اربل را در دست داشت و از همان کودکی فرزندش علی را به فراگیری علم و ادب تشویق می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵۲، ص ۱۶۲) ابن صلیا العلوی از سال ۶۳۵ ق تا زمانی که بغداد توسط مغول‌ها مورد حمله قرار گرفت و سقوط کرد، نیابت حکومت اربل را در دست داشت. وی شیعی مذهب بود و در گزارش‌های تاریخی از او ستایش شده است. گفته‌اند: در زمان حکومتش با مفسدان و شراب‌خواران به شدت مبارزه می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴۸، ص ۲۹۶ و ۲۹۷؛ الصفدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۸۸؛ ابن فوطی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۶۲)

بدون تردید اربلی شیعه امامی اثنی عشری بوده و بهترین گواه بر این مطلب، کتاب *کشف الغمه* اوست که در ضمن مطرح کردن شرح زندگانی چهارده معصوم (علیهم‌السلام)، به مباحث عمیق اعتقادی شیعه و در میان موضوعات متفاوت به مباحث خاص شیعه چون عصمت، نص و... پرداخته است. با توجه به سابقه تشیع در شمال عراق و حضور دولت مقتدر شیعی حمدانیان (قرن چهارم) در موصل و نیز گسترش سریع تشیع در بغداد و عراق، این مسئله طبیعی به نظر می‌رسد؛ به خصوص این‌که اربل از مناطقی بود که شیعیان زیادی در آن سکونت داشتند. (جعفریان، ۱۳۷۷، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۱۹۹)

اربلی قبل از مهاجرت به بغداد، در حدود سال ۶۴۳ ق ریاست دیوان انشا را در اربل عهده‌دار بود. انتصاب او بدین مسئولیت، بیانگر موقعیت بالای وی در امور دولتی و حکومتی است. زمانی که بغداد توسط مغول‌ها فتح شد، آن‌ها برای اداره برخی امور از کاتبان و وزیران دربار سابق استفاده کردند و در همین زمان بود که وی به بغداد آمد و در دربار جدید، کار ریاست دیوان را

۱. اربل شهری در شمال شرقی عراق است و براساس نقل حموی در زمان وی از توابع موصل بود. فاصله اربل تا موصل دو روز و تا بغداد نیز هفت روز راه بود. از این منطقه عالمان بسیاری برخاسته‌اند (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۳۷).

۲. هکاریه سرزمینی است در بالای موصل، در جزیره ابن عمر که ساکنان آن کرد هستند. (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۰۸).

به عهده گرفت. در این زمان حکومت بغداد در دست وزیر با کفایت عطاءالملک جوینی بود که رابطه بسیار خوب و صمیمانه‌ای با اربلی داشت. (ابن فوطی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶۳) آن چه به این علاقه و ارتباط کمک می‌کرد، تشیع و ذوق ادبی آن‌ها بود. اربلی در این باره می‌گوید: در سال ۶۶۰ ق به خدمت عطاءالملک در بغداد رسیده و در زمره پیروان او درآمد. لطف و مرحمت وی شامل حالم شد. او انواع نعمت‌ها را بر من ارزانی، و منصب کتابت انشا را نیز به من عطا کرد. (ابن فوطی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶۴؛ جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۱۶-۱۴)

وی در تمام دوران امارت عطاءالملک به کار خود در دیوان انشا مشغول بود و از این رهگذر صاحب ثروت بسیار شد. در سال ۶۸۷ ق سعدالدوله یهودی، عراق را تصرف کرد و عده‌ای یهودی را برای نظارت بر دیوان ترکان گماشت. (ابن فوطی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۶) اربلی که حاضر به خدمت در چنین درباری نبود، از کار کناره گرفت تا سال ۶۹۰ ق که سعدالدوله کشته شد و سپس او دوباره جایگاه خود را باز یافت. (الصفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۲۵۱؛ الکتبی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۱۱۷) وی در کتاب کشف الغمه به این دوران سخت و گرفتاری‌های آن اشاره کرده است؛ دورانی که فرزندان را پیر و آهن را ذوب و ... می‌کند. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۶۵)

اربلی از آن زمان تا پایان عمر در دربار مشغول کار بود و زندگی همراه با رفاه و عزت داشت تا سرانجام در سال ۶۹۲ ق از دنیا رفت. ثروت عظیم او توسط فرزندش ابوالفتح تلف شد. (الصفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۲۵۱؛ الکتبی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۱۱۷) او را در خانه‌اش که در قسمت غربی بغداد قرار داشت و در اواخر به کارپردازخانه معروف بود، به خاک سپردند. صاحب‌الذریعه می‌گوید: «من و علامه میرزا محمد تهرانی عسکری قبر او را در سال ۱۳۴۵ زیارت کردیم. در آن زمان سفیر ایران در بغداد، در آن سکونت داشت، اما امروز (۱۳۸۹ ق) دیگر اثری از آن وجود ندارد». (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۱۲؛ ج ۱۸، ص ۴۷ و ۴۸)

حیات علمی اربلی

ریاست دیوان انشا، از مهم‌ترین پست‌های اداری در آن زمان بود که مسئول آن می‌بایست فردی ادیب و ورزیده در امر سیاست باشد و اربلی، هم در اربل و هم در بغداد عهده‌دار این مقام بود. او در زمینه شعر و ادب ید طولایی داشت، به طوری که حتی در آثار غیر ادبی خود نیز این ویژگی را نشان داده است؛ از جمله در کتاب کشف الغمه که افزون بر پرداختن به معانی لغوی

دقیق، در پایان زندگی هر یک از امامان اشعاری در مدح آنان آورده است. کتاب رساله الطیف وی، بهترین گواه بر این مطلب است. وی در این کتاب به شهرت ادبی خود اشاره کرده است. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۸)

در میان آثار اربلی، اسامی شیوخ وی که بیشتر در همان موصل و بغداد زندگی می‌کرده‌اند، به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن‌ها ابی‌الهیجاء علی بن حسن بن منصور بن موسی‌الاربلی (م ۶۴۹) است که قبل از مرگ، اربلی را از تاریخ وفاتش با خبر می‌کند. (اربلی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱۲ و ۲۱۳) ابن‌وضاح الحنبلی (م ۶۷۲) نیز از دیگر شیوخی است که اربلی او را از اعیان و بزرگان حنابله در دوران خود می‌داند و از محضرش درس گرفته و اجازه نقل روایاتش را داشته است. ابن‌صلایا الحسینی الشیعی (م ۶۵۶) که توسط مغول‌ها به شهادت رسید، محمد بن یوسف بن محمد الفخر الکنجی الشافعی (م ۶۵۸) و ابی‌نصر محمد صاحب ابن‌نصر بن الصلایا فرزند ابن‌صلایا حاکم اربلی، از دیگر شیوخ اربلی هستند.^۱

وی به دلیل منصب منشی‌گری و آشنایی با ادیبان و شعرا، دوستان بسیاری داشته است؛ از جمله ابن‌طاووس (م ۶۶۴) و محمد بن العلقمی (م ۶۵۶) وزیر شیعی معتصم عباسی که اربلی رابطه نزدیکی با آن‌ها داشته است. به دلیل علاقه اربلی به شعر و ادب، وی مجالس منظمی در خانه خویش داشت که بزرگان بسیاری در این مجلس شرکت کرده و به بحث می‌نشستند. در میان شاگردان اربلی نیز شخصیت‌های برجسته‌ای وجود دارد که از میان آنان می‌توان به شرف‌الدین احمد بن صدر (نوه اربلی)، علی بن ابی‌الهیجاء اربلی، تاج‌الدین ابوالفتح بن حسین بن ابی‌بکر اربلی، (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۷) ابن فوطی، ابن طقطقی و علی بن یوسف (برادر علامه حلی)، عیسی بن محمد بن اربلی (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۱۲) و تاج‌الدین محمد بن علی اربلی (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶) اشاره کرد که اربلی اجازه روایت کتاب کشف الغمه را به آن‌ها داده بود.

بیشتر آثار اربلی در زمینه شعر و ادب است و تنها کتاب کشف الغمه وی در این موضوع نیست. دیگر آثار وی عبارتند از: التذکره الفخریه، رساله الطیف، عدة الرسائل (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۶) المقامات الاربع، جلوة العشاق و خلوة المشتاق، (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶) دیوان

۱. برای آشنایی با دیگر اساتید و شاگردان اربلی رک: مقدمه کشف الغمه.

شعر (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۵ و ۵۶) و کتاب فی فضل اصحاب علی علیه السلام من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۹)

کتاب کشف الغمة فی معرفة الائمة

این کتاب، مهم‌ترین اثر اربلی است که از طرف بسیاری از بزرگان مورد مدح و تمجید قرار گرفته است. شیخ حر عاملی آن را کتابی جامع و حسن دانسته است. (حر عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۵) علامه مجلسی از اربلی به عنوان عالم امامیه که نامش در سند اجازات است، یاد کرده و کتاب او را از مشهورترین کتاب‌ها دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۹)

موضوع کتاب، احوال پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت خدیجه علیها السلام و ائمه علیهم السلام است، اما همان‌طور که از عنوان کتاب پیداست، اصل مباحث در رابطه با ائمه علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا بنا به نظر اربلی مباحث مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله اجماعی است و در آن اختلاف قابل توجهی وجود ندارد و اگر در کتابش بحث با زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده، تنها به دلیل تیمن و تبرک به نام حضرت بوده است. درباره زندگانی ائمه علیهم السلام، به شرح زندگی هر یک از آنان، از تولد تا وفات، مناقب، فضایل و محاسن کلام و معجزات آن‌ها پرداخته است. اربلی مدت‌ها در فکر جمع‌آوری مجموعه‌ای درباره اخبار و اوصاف اهل بیت علیهم السلام بوده، اما مشکلات روزگار مانع از آن می‌شد تا سرانجام این فرصت فراهم شد. وی در مورد انگیزه‌اش از تألیف کتاب، به تمسخر برخی مردم - که زیارت قبر موسی بن جعفر علیه السلام را مسخره می‌کردند، در حالی که همین افراد به زیارت قبر شیوخ صوفی خود می‌رفتند - اشاره کرده و می‌گوید: این مردم از کتاب‌هایی که درباره اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است، پرهیز دارند. از این رو تصمیم می‌گیرد با استناد به منابع خودشان کتابی بنویسد تا بتواند آن‌ها را قانع نماید.

با نگاهی مقایسه‌ای میان دو بخش اصلی کتاب کشف الغمة - بخش سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره ائمه علیهم السلام - می‌توان بدین نتیجه دست یافت که از مجموع ۱۸۶۰ صفحه کتاب، حدود ۶۰ صفحه یعنی ۳/۳ آن به بحث سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص دارد و این حجم کم به دلیل همان مبنای اربلی است که نگاه استقلالی به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته است. البته بسیاری از مباحث مربوط به

۱. کشف الغمة فی معرفة الائمة، به معنای برداشتن حجاب و پوشش از شناخت ائمه علیهم السلام است. کلمه غمة به معنی لیس است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۴۱)

سیره پیامبر ﷺ را می‌توان از مطالب زندگانی علی (علیه السلام) بیرون آورد. از نکات قابل توجه، نسخه‌های متعدد این کتاب است که در میان آن‌ها نسخه‌های قدیمی نیز وجود دارد. نسخه‌ای از این کتاب به شماره ۵۴۲ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی وجود دارد که از روی نسخه‌ای نوشته شده که صاحبش آن را بر اساس نسخه ابوجعفر فضل بن یحیی طیبی کاتب (کسی که صورت قرائت کتاب را که در آن نام دوازده نفری که اجازه روایت کتاب را داشته‌اند، نوشته است) تدوین کرده است. گویا نسخه طیبی برای همه مورد اطمینان بوده است، به طوری که دیگران از روی آن نسخه برداری کرده‌اند. نسخه‌های متعدد این کتاب گویای این نکته است که این کتاب در طول سال‌های بسیار مورد توجه علمای قرن ۸ تا ۱۰ بوده است. از آن‌جا که اربلی در طرح مسائل تاریخی مشی معتدلی داشته، علمای اهل سنت نیز از کتاب وی بهره برده‌اند. ترجمه‌های بسیاری نیز از این کتاب صورت گرفته است.^۱

ساختار اجمالی سیره پیامبر ﷺ

همان‌طور که پیش از این بیان شد، مبنای اربلی در تألیف کتاب کشف الغمه، پرداختن به سیره و زندگانی پیامبر ﷺ نبوده و فقط از باب تیمن و تبرک وارد بحث شده است. آن‌چه که برای اربلی اهمیت داشته، سیره ائمه (علیهم السلام) است، به همین جهت پس از شرح حال رسول خدا ﷺ بلافاصله به شرح حال ائمه (علیهم السلام) می‌پردازد، نه سیره فاطمه زهرا (علیها السلام)؛ برخلاف طبرسی که در اعلام الوری شرح حال فاطمه (علیها السلام) را به پدر ملحق کرده و پس از زندگانی پیامبر ﷺ بدان می‌پردازد. مطالب بیان شده در محور سیره پیامبر ﷺ، عبارتند از:

اسامی پیامبر ﷺ، مولد حضرت، ذکر نسب ایشان، مدت حیات و بیان آیات و معجزات رسول خدا ﷺ که آن را در قالب سه محور بررسی نموده است. اربلی قبل از ورود به بحث زندگانی علی (علیه السلام) و فرزندانش، فصلی را به فضایل بنی‌هاشم و برتری آن‌ها نسبت به دیگران اختصاص داده که حدود ۲۰ صفحه از کتاب را در بر گرفته است. سپس وارد تفسیر معنای آل الرسول، اهل بیت (علیهم السلام) و عترت شده و در نهایت، با پرداختن به فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و ارائه روایاتی از صحابه در این باره بحث را به پایان برده است.

۱. در رابطه با چاپ‌ها و ترجمه‌های کشف الغمه رک: جعفریان، مجموعه مقالات تاریخی، ص ۲۴۳-۲۳۹.

اربلی در آغاز به ذکر اسامی پیامبر ﷺ پرداخته و ۲۲ صفحه از کتاب را به آن اختصاص داده است. به نظر می‌رسد اربلی بحث اسامی پیامبر ﷺ را عیناً از کتاب *اعلام الوری طبرسی* گرفته باشد؛ زیرا مطالب نقل شده، دقیقاً مباحثی است که طبرسی آورده است.

بخش دوم از مباحث سیره پیامبر ﷺ در کشف الغمه که صفحات ۳۱ تا ۳۶ را به خود اختصاص داده، درباره تاریخ تولد و وفات حضرت می‌باشد. این بحث به دلیل جمع‌بندی خوبی که انجام گرفته، بسیار خلاصه و در عین حال کامل بیان شده است.

بخش دیگر از تاریخ پیامبر ﷺ، به ذکر نسب حضرت اختصاص دارد. در این قسمت نیز اربلی با بیان سلسله‌ای کامل از نسب حضرت، بحث را طرح کرده است. در بیان نسب افزون بر بیان کنیه اجداد پیامبر ﷺ، به نام کوچک آن‌ها نیز اشاره نموده است و سرانجام با رساندن این سلسله به عدنان جد بیستم، روایت مشهوری از پیامبر ﷺ نقل کرده، مبنی بر این‌که هرگاه در شمارش اجداد پیامبر به عدنان رسیدیم، سکوت کنیم؛ «اِذَا بَلَغَ نَسَبِي عَدْنَانَ فَاَمْسِكُوا». (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۴) اربلی همین مسئله را دلیل بر عدم نقل نسب کامل حضرت از عدنان به بعد دانسته و خواننده را به کتب انساب و تاریخ ارجاع می‌دهد. در ادامه به مادر حضرت، نسب وی، دایگان حضرت (ثویبه و حلیمه) پرداخته و در هنگام بحث از ثویبه، اطلاعاتی از این بانو به خواننده داده است؛ سپس با ذکر روایتی از پیامبر ﷺ مبنی بر این‌که دختر حمزه، فرزند برادر رضاعی حضرت است، بحث را به پایان می‌برد.

در بحث بعدی اربلی به مدت حیات پیامبر ﷺ پرداخته و در آن عناوینی چون: طول عمر ایشان، نقل اقوال مختلف در رابطه با وفات پدرشان عبدالله، سرپرستی حضرت توسط عبدالمطلب و ابوطالب، حمایت‌های ابوطالب از حضرت، ازدواج با خدیجه و وفات ابوطالب و خدیجه در عام الحزن را مورد بررسی قرار داده است. در بحث حمایت‌های ابوطالب از حضرت، با ذکر روایتی از هشام بن عروه به نقش ابوطالب در حمایت و حفاظت از پیامبر ﷺ اشاره کرده است. اشاره مختصر به جریان هجرت به مدینه، بعد از جریان پنهان شدن در غار و سرانجام ورود به مدینه در یازده ربیع‌الاول، از دیگر عناوین این بخش است. در این میان بیش‌ترین بحث به لحظات وفات پیامبر ﷺ اختصاص داده شده است. احتمالاً دلیل این امر اختلافات موجود درباره حوادث این روزهاست.

آخرین قسمت از مباحث سیره پیامبر ﷺ در کتاب *کشف الغمه*، به بحث آیات و معجزات

حضرت اختصاص دارد که در مقایسه با مباحث قبل حجم بیشتری از کار را در بر دارد. وی در این قسمت بر خلاف مباحث قبل، ابتدا با طرح تقسیم‌بندی خاصی، روند کار خود را بدین شکل ارائه می‌دهد:

۱. آیات و معجزات قبل از تولد پیامبر ﷺ

در این قسمت به ذکر دو گزارش اکتفا شده است: مورد اول از زبان آمنه مادر حضرت و بیشتر درباره حالات آمنه و خواب‌های وی در دوران حمل است. وی در این دوران - با الهاماتی که بر او می‌شد - آگاهی‌هایی درباره کودک خود و آینده او به دست آورده بود. خبر دیگر اربلی نیز حاوی همین مطالب است؛ با این تفاوت که اربلی در این قسمت منبع خبری خود را نیز ذکر کرده و می‌گوید: «رَوَى ابْنُ خَالَوَيْهِ فِي كِتَابِ الْأَلِّ». عمده مطالبی که وی از این کتاب نقل می‌کند، درباره وقایعی است که هنگام تولد حضرت رخ داده، که به پنج نمونه از آن‌ها اشاره کرده است.

۱۵

نام‌نامه

۲. آیات و معجزات بعد از تولد پیامبر ﷺ

ا. قبل از بعثت

اربلی این بحث را بسیار خلاصه مطرح نموده است. ماجرای سفر ابوطالب به شام و همراهی پیامبر ﷺ با ایشان، ملاقات بحیرا با حضرت، معجزاتی که در این سفر دیده شد و اخباری که بحیرا درباره آینده این کودک به عمویش داد و نیز بشارت سیف‌بن ذی یزن به عبدالمطلب، از جمله مباحثی است که در این بخش ذکر شده است.

ب. بعد از بعثت

آخرین محوری که اربلی در ضمن صفحات ۵۴ تا ۶۶ ارائه داده، با برترین معجزه حضرت یعنی قرآن آغاز شده است. معجزات مطرح شده در این مبحث عبارتند از: آمدن درخت نزد حضرت به امر ایشان، (که اربلی آن را به کلام علی عليه السلام در خطبه قاصعه مستند نموده و مختصری درباره وجه تسمیه این خطبه سخن گفته است)، بیرون آمدن آب از میان انگشتان ایشان (در سفر تبوک هنگامی که مسلمانان از تشنگی به ایشان شکایت بردند)، ناله ستون حنانه در مسجدالنبی به دلیل فراق پیامبر ﷺ، حکایت گوسفند ام‌معبد که به برکت پیامبر ﷺ دارای شیر شد، حدیث سراقه بن مالک (که در هنگام هجرت به مدینه، برای دستگیری حضرت وی

را تعقیب می‌کرد)، جریان غار ثور (که در ضمن آن به یک مورد از ویژگی‌های مردم مکه اشاره نموده و می‌گوید: «أهل مَكَّةَ أَعْرَفُ بِشُعَائِهَا» و نیز به اشعاری از سید حمیری استناد کرده است). (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۸) هم چنین سخن گفتن گرگ در تصدیق پیامبر ﷺ، سخن گفتن تکه گوشتی از ذراع گوسفند که آلوده به زهر بود، سیراب کردن یاران از چاهی که خشک بود، حدیث استسقاء و طلب باران (که در ضمن آن به اشعار ابوطالب در مورد حضرت نیز اشاره نموده است)، انشاق قمر و آگاهی‌های پیامبر ﷺ به اخبار غیبی و پیشگویی‌هایی که می‌کرد، از دیگر مطالب مطرح شده در این بخش است.

در پایان بحث معجزات، بار دیگر اربلی وارد بیان برخی صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ مانند: شجاعت، فصاحت، کرامت، عبادت، خضوع و خشوع، صدق لهجه، بصیرت، حیا، اعتماد، توکل، عزت، حسن خلق، شرف، سخا و... شده و خواننده را به مکانات و جایگاه والای حضرت نزد خداوند توجه داده و ادعای خود را با دو روایت که یکی از مسند احمد بن حنبل و دیگری از کتاب البیواقیة ابی عمرو بن عمرو بن زاهد است، ثابت می‌کند. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۶-۵۴)

روش سیره‌نویسی اربلی (بخش سیره نبوی ﷺ)

همان‌طور که بیان شد، اربلی بنای کتاب خود را بر سیره ائمه ﷺ گذاشته است و به سیره پیامبر ﷺ نگاه استقلالی نداشته و همین دیدگاه باعث شده است که در پرداختن به سیره پیامبر ﷺ، مبانی خاصی را مورد نظر قرار داده و سعی کند از آن‌ها عدول نکند. قصد ما در طرح این بحث، مطرح نمودن این روش‌هاست که عبارتند از:

۱. **اختصار و ایجاز:** این روش به دلیل همان مبنایی است که اربلی در بحث سیره پیامبر ﷺ داشته و در مقدمه کتابش نیز بدان اشاره نموده و گفته است: سیره رسول خدا ﷺ مسئله‌ای اجماعی است؛ لذا در این کتاب تنها از جهت تیمن و تبرک بدان می‌پردازد. اختصار در همه مباحث این بخش نمود دارد. تنها در این میان بحث معجزات است که در مقایسه با دیگر قسمت‌ها حجم بیشتری را به خود اختصاص داده، به طوری که اربلی خود نیز بدین مطلب اعتراف کرده و می‌گوید: «به دلیل کثرت آن‌ها و عدم توانایی قلم، از ذکر بقیه آن‌ها خودداری می‌کنم». (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۶)
۲. **حذف اسانید:** از دیگر نکات قابل توجه در روش سیره‌نگاری اربلی در این بخش، حذف سلسله سندهاست که دلیل آن همان مبنای اختصاری است که اربلی در سیره پیامبر ﷺ بدان

پایبند است. وی بدین مسئله در مقدمه کتاب نیز اشاره نموده است؛ از این رو در بیشتر نقل‌ها سلسله سندها را نقل نکرده و فقط نام راویان را آورده و گفته: «روى أنس أنه لما وُلِدَ إبراهيمُ من مارية القبطية أتاه جبرئيلُ فقالَ السَّلَامُ عَلَيكَ يَا أَبَا إبراهيمٍ». (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۰) در مواردی نیز که گزارش نقل شده در کتابی وجود داشته، اربلی به نام کتاب نیز اشاره کرده و می‌گوید: «قَدْ رَوَاهُ ابنُ الأَخْضَرِ الحِمْيَرِيُّ وَ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ مَعَالِمِ العِتْرَةِ النَّبَوِيَّةِ». (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۸)

۳. **تأکید بر آیات قرآن:** این مسئله به خصوص در بحث اسامی و القاب پیامبر ﷺ بیشتر نمود دارد. اربلی مقید است که برای نام‌های حضرت شاهد قرآنی ارائه نماید، به طوری که در برخی موارد به صراحت بدین مطلب اشاره کرده و می‌گوید: «مِنَ أَسْمَائِهِ أَحْمَدٌ وَ قَدْ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ» (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۹) و در جای دیگر وجه تسمیه آن نام را نیز با استناد به آیات قرآن ذکر می‌کند: «مِنَ أَسْمَائِهِ الشَّاهِدُ لِأَنَّهُ يَشْهَدُ فِي الْقِيَامَةِ لِلنَّبِيِّاءِ بِالتَّبْلِيغِ عَلَى الْأُمَّمِ بِأَتَمِّ بَلْغُوا» (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۱) و نیز می‌گوید: «قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾». (نساء: ۴۱) به طور کلی اربلی در کل مباحث، ۲۶ مورد به قرآن استشهد کرده است.

۴. **استفاده و استناد به روایات:** از دیگر اصول مورد توجه اربلی در سیره‌نگاری این است که در برخی موارد افزون بر شواهد قرآنی، از روایات نیز بهره برده است که این مسئله به قوت نقل‌های او کمک می‌نماید؛ مانند روایات نقل شده در بحث اسامی حضرت که از ابن عباس، محمد بن جبیر بن مطعم، عباس، ابوطالب، علی علیه السلام و برخی روایات نیز از خود پیامبر ﷺ نقل شده است. اربلی یکی از نام‌های پیامبر ﷺ را که در قرآن هم به آن اشاره شده است، «احمد» می‌داند و در همین راستا روایتی از ابن عباس آورده است که می‌گوید: «اسم پیامبر ﷺ در تورات احمد، ضحوک ... است». در این روایت به دیگر خصوصیات پیامبر ﷺ نیز توجه داده شده است. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۷)

۵. **بهره‌گیری از روایات و اسنادی که به ائمه علیهم السلام منتهی می‌شود:** در برخی موارد روایات نقل شده عمدتاً از ائمه علیهم السلام است؛ مانند بحث وفات پیامبر ﷺ که روایات طرح شده از امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام است و این شاید از باب «أَهْلُ الْبَيْتِ أَدْرَى بِمَا فِي الْبَيْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۳، ص ۲۸۲؛ ج ۷۸، ص ۲۷۳) باشد. مضمون این روایات در رابطه با جریان بیماری حضرت، نجوای پیامبر ﷺ با دخترش و رازی که با وی در میان نهاد، وداع حضرت با حسنین علیهم السلام، ملاقات جبرئیل با حضرت و مخیر نمودن ایشان بین مرگ و زندگی است.

۶. **بهره‌گیری از گزارش‌های تاریخی:** ابتکار دیگر اربلی، مستند کردن مباحث به گزارش‌های تاریخی است. وی در برخی موارد بعد از بیان نام‌های حضرت از گزارش‌های تاریخی شاهد می‌آورد؛ به عنوان نمونه بعد از مطرح کردن نام «القتال علی سیفه» به روایتی از علی (علیه السلام) درباره جنگ احد تمسک جسته که می‌فرمود: «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ أَتَقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ، لَمْ يَكُنْ مِنَّا أَحَدٌ أَقْرَبُ إِلَى الْعَدُوِّ مِنَهُ». (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۶) در بحث معجزات نیز به گزارش سفر پیامبر (ص) به شام و ملاقات بحیرا با ایشان، گزارش ملاقات ام‌معبد با پیامبر (ص) و... اشاره می‌کند.

۷. **طرح مباحث دقیق لغوی:** از آن‌جا که اربلی در مباحث ادبی صاحب‌نظر بوده است، این صبغه ادبی در کل آثارش از جمله کشف‌الغمه نمود دارد و در ضمن بحث هر جا که به لغت مشکلی بر می‌خورد، با موشکافی دقیق لغوی آن را مورد بررسی قرار داده و به خواننده در درک متن کمک می‌کند. در برخی موارد که در لغتی احتمال معانی دیگری وجود دارد، بعد از مطرح کردن هر دو معنا، قول صحیح را نیز به دست خواننده می‌دهد. این ابتکار در مطالب مربوط به اسامی حضرت بیشتر نمایان است. اربلی آن‌جا که به «الْقُتْم» از نام‌های حضرت اشاره می‌کند، دو معنا برای آن ذکر می‌کند: «عطاء و جمع». سپس می‌گوید: خلیل معنای دوم را قبول داشته و ابن‌فارس اولی را انتخاب کرده است. اربلی در پایان چنین ابراز می‌دارد که اگر معنای دوم را انتخاب کنیم، هیچ منقبت و فضیلتی باقی نمی‌ماند، مگر این‌که پیامبر (ص) جامع آن باشد. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱)

۸. **استفاده از اشعار:** ذوق ادبی اربلی در جای دیگری از کارش نیز نمود دارد. وی برای تحکیم نقل‌ها گاهی از اشعار نیز کمک می‌گیرد؛ به عنوان نمونه بعد از آوردن لقب «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» برای رسول خدا (ص)، به شعری از ابوطالب در وصف این ویژگی پیامبر (ص) استناد کرده است. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳) هم‌چنین در بیان معجزات پیامبر (ص) آن‌جا که ماجرای پناه بردن حضرت به غار ثور را بیان می‌کند، اشعاری از سید حمیری نقل کرده است.

۹. **بیان گزارش‌ها بدون نقد و بررسی:** اربلی در بحث سیره پیامبر (ص) بر خلاف قسمت اصلی کتابش که به سیره ائمه (علیهم‌السلام) اختصاص دارد، و به نقدهای عقلی و نقلی پرداخته، اصلاً وارد این مباحث نشده و فقط به بیان گزارش‌ها اکتفا کرده است. تنها در دو مورد بعد از ارائه گزارش، تعجب خود را از آن مطلب ابراز داشته است؛ از جمله در پایان مبحث مولد پیامبر (ص)، با ذکر لفظ «أَقُولُ» اختلاف نقل‌ها را در رابطه با تاریخ تولد حضرت سهل شمرده، به دلیل این‌که در میان

عرب رسم نبود که تاریخ تولد فرزندان خود را ضبط نمایند، اما تعجب خود را از اختلافاتی که در رابطه با تاریخ وفات حضرت وجود دارد، ابراز می‌کند. هم‌چنین در طرح معجزات پیامبر ﷺ آن‌جا که به بیان معجزات حضرت در خانه ام‌معبد می‌پردازد، به دو گزارش استناد می‌کند که یکی درباره‌ی گوسفندی است که به دعای حضرت دارای شیر شد و گزارش دیگر از کتاب ربیع‌الابرار زمخشری است و در ارتباط با درخت نخل خشکیده‌ای است که در خانه ام‌معبد بوده و به برکت دعای حضرت سال‌ها ثمر داده و مردم آن را برای شفا می‌بردند؛ اما در هنگام رحلت پیامبر ﷺ و شهادت علیؑ میوه‌های آن ریخت و دیگر میوه نداد، مردم از برگ‌های آن بهره می‌بردند تا سرانجام زمان شهادت امام حسینؑ که از ساقه‌های درخت خون جاری و سپس به طور کامل خشک شد. نکته‌ی مهمی که اربلی بعد از پایان نقل بدان اشاره دارد، تعجب وی از این مطلب است که چگونه و چرا ماجرای درخت ام‌معبد را همان‌گونه که ماجرای گوسفند وی معروف است، در کتاب‌هایشان نقل نکرده‌اند؟! (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۷)

۱۰. **مشی مدارا با اهل سنت:** اربلی در کتابش غالباً از نقل اختلافات پرهیز کرده است؛ زیرا کتابش را کتابی کلامی نمی‌دانسته و تنها مواردی را ذکر کرده است که با هدف نگارش کتاب سازگار باشد، اما در بیان انتقاد نیز مشی و شیوه‌ی او معتدل و همراه با نرمی است. وی اهل سنت را مورد انتقاد قرار داده که چرا در کتب خود به احوال آوازه‌خوانان و قصص پرداخته‌اند، اما ذکری از ائمهؑ به میان نیاورده‌اند؟!

گاهی نیز انتقادهای خود را نسبت به آن‌ها با اظهار تعجب‌هایی که در پایان گزارش‌ها آورده است، بیان می‌کند؛ مانند تعجب وی از اختلاف در تاریخ وفات حضرت و تعجب وی از این‌که چرا آن‌چنان که در کتب تاریخ اهل سنت به ماجرای گوسفند ام‌معبد پرداخته شده، به ماجرای درخت نخل ام‌معبد نپرداخته‌اند؟! اظهار تعجب اربلی از این ماجرا، نوعی اظهار نظر از جانب وی است که عدم برجستگی این‌گونه مباحث در کتب آن‌ها به دلیل بیان مناقب و فضایل اهل بیتؑ در این گزارش‌هاست که متأسفانه آن‌ها به این‌گونه مطالب توجه و اعتماد نداشته، لذا در صدد حذف آن‌ها برآمده‌اند.

۱۱. **برهم زدن ترتیب و تقسیم دیگران و ارائه نظر جدید:** همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، اربلی برخی مباحث کتابش را از کتب دیگران اخذ کرده است؛ از جمله بحث اسامی پیامبر ﷺ که دقیقاً برگرفته از اعلام‌الطبری است؛ با این تفاوت که طبری در طرح این اسامی تقسیم‌بندی

خاصی را ارائه نموده است، بدین ترتیب که ابتدا به اسامی قرآنی حضرت و سپس به اسامی روایی و در نهایت اسامی حضرت را که در کتب دیگر ادیان ذکر شده، بیان می‌کند. بر خلاف اربلی که وی مبنای خاصی را در ذکر اسامی ارائه نداده؛ بلکه به نقل خودش از مشهورترین اسم‌ها شروع و بعد وارد دیگر اسامی شده است. البته به نام‌های حضرت که در میان اهل کتاب رایج بوده نیز اشاره می‌کند. حتی در بیشتر موارد توصیفات که از حضرت در قرآن یا روایات وجود داشته، آن‌ها را نیز در کنار اسامی آورده و در سه مورد نیز به کنیه ایشان اشاره نموده است که یکی از آن‌ها، کنیه‌ای است که در میان اهل کتاب مطرح بوده است. اسامی مورد بحث در این بخش، حدود ۳۶ مورد است که عبارتند از: محمد، احمد، الماحی، الشاهد، البشیر، النذیر، الداعی الی الله، السراج المنیر، نبی الرحمة، نبی المصلحمة، الضحوک، القتال سیفه علی عاتقة، المتوکل، القثم، الفاتح، الامین، الخاتم، مصطفی، الرسول النبی الامی، المزل، المدثر، الکریم، نور، نعمة، عبد، رؤف و رحیم، عبدالله، طه، یس، منذر، مذکر، مدثر، نبی التوبة، راکب الجمل، محرم المیتة، خاتم النبوة، حامل المهرآة، رسول الرحمة، مثال المنایا.

در بحث معجزات نیز اربلی علی‌رغم این‌که مباحث طرح شده را تقریباً از کتاب *اعلام الوری و الخرائج و الجرائح* الهام گرفته است، اما مبنای خاصی را در تقسیم‌بندی لحاظ نموده که با تقسیم‌بندی طبرسی و راوندی تفاوت دارد. بدین گونه که طبرسی مبنای تقسیم خود را بعثت حضرت قرار داده و مباحث را در دو عنوان معجزات قبل از بعثت و بعد از بعثت مطرح نموده است. راوندی نیز در کتابش تقسیم‌بندی دیگری ارائه کرده که می‌توان گفت از دیگران کامل‌تر است - گرچه ایرادهایی به آن وارد است - اما اربلی مبنای تقسیم خود را ابتدا تولد حضرت و سپس بعثت ایشان قرار داده است.

ارائه تقسیم‌بندی خاص و بر هم زدن تقسیم دیگران، بیانگر این نکته است که اربلی بهره‌گیری کاملی از ساختار کتاب‌های دیگران نداشته؛ بلکه در عین استفاده از آثار دیگران ابداع و نوآوری‌هایی نیز داشته است.

۱۲. عدم رعایت سیر منطقی مباحث: علی‌رغم توقعی که در ترتیب و سیر منطقی مباحث وجود دارد، اربلی در هنگام طرح برخی مطالب، این سیر طبیعی را رعایت ننموده است؛ به عنوان نمونه در بحث معجزات، تقسیم‌بندی اربلی تقریباً مانند تقسیمی است که قطب‌الدین راوندی در کتاب *الخرائج و الجرائح* ارائه نموده است؛ اما در هنگام تفصیل مباحث و بیان آن، همان‌گونه

که قبلاً بیان شد، هیچ نظم و ترتیبی دیده نمی‌شود و حتی تقدم و تأخر تاریخی مباحث نیز رعایت نشده است؛ به طوری که بشارت سیف بن ذی یزن به عبدالمطلب که از جهت تاریخی مقدم بر سفر پیامبر ﷺ به شام و دیدار بحیراست، در آخر آورده شده، یا در بحث معجزات، مباحث مدینه مقدم بر انشقاق قمر طرح شده؛ حتی جنگ تبوک و معجزاتی که در راه اتفاق افتاد، بر ماجرای ناله ستون حنانه مقدم شده است.

پرداختن به تاریخ تولد پیامبر ﷺ باید مقدم بر تاریخ وفات و مباحث مربوط به آن می‌شد؛ در حالی که اربلی ابتدا به تاریخ وفات حضرت پرداخته و سپس وارد اقوال درباره تولد حضرت شده است.

۱۳. نقل معجزات در زندگی پیامبر ﷺ و تأکید بر آن: اربلی نیز مانند دیگر سیره‌نویسان بخشی از مباحث سیره پیامبر ﷺ را به معجزات ایشان اختصاص داده است که در مقایسه با دیگر قسمت‌ها حجم بیشتری دارد.

۱۴. مراعات خواننده و جلب اعتماد وی: از دیگر نکات قابل توجه در خط مشی اربلی، مراعات خواننده و جلب اعتماد وی است. این مسئله به خصوص در بحث معجزات بسیار نمود دارد. از آن جا که پذیرش برخی از این کرامات و معجزات ممکن است برای برخی مشکل باشد و احیاناً مورد انکار قرار گیرد، اربلی در هنگام طرح این بحث سعی بسیار در جهت جلب اعتماد و نظر خواننده دارد؛ به همین دلیل، تأکید می‌کند که این نقل‌ها را اکثر راویان ذکر کرده و اخباری‌ها بدان پرداخته‌اند و هنگامی که از قول عالم یهودی معجزه‌ای را از تورات نقل می‌کند، ابراز می‌دارد که این گزارش را خود در تورات دیده و راویان دیگری نیز نقل کرده‌اند. در مواردی نیز که مجبور بوده است، گزارشی طولانی را ذکر کند و احتمال می‌دهد که خواننده در تشخیص پایان گزارش دچار مشکل شود، با ذکر الفاظی چون: «إِنْتَهَى كَلَامُ ذِي النَّسَبَيْنِ»، یا «أَخْرَجَ كَلَامَهُ» این احتمال را منتفی می‌کند.

از دیگر تلاش‌های اربلی در جهت جلب اعتماد خواننده، در بحث معجزات خود را نشان می‌دهد. وی در پایان بحث معجزات بر خلاف انتظار خواننده دوباره به طرح برخی ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی حضرت مانند: شجاعت، فصاحت، خشوع و... برمی‌گردد. نکته مهم و قابل توجه این‌که پرداختن به صفات و خصوصیات حضرت با مطالب قبل تناسب چندانی ندارد و شاید بتوان دلیل آن را این‌گونه بیان کرد که اربلی تلاش دارد، اعتماد خواننده را به این

مسئله جلب نماید که انجام این قبیل کرامات و معجزات از فردی عادی شاید جای انکار و تردید باقی گذارد، اما در مورد انسانی چون پیامبر ﷺ با این ویژگی‌های برجسته اخلاقی و این ظرفیت و شایستگی والا، هیچ شک و تردیدی به جا نمی‌گذارد. اربلی در پایان بحث نیز به صراحت به این مسئله اشاره کرده که پیامبر ﷺ به دلیل همین برجستگی‌ها و صفات اخلاقی در نزد خداوند از چنین جایگاهی برخوردار شد و این آیات و معجزات را داشت؛ از این رو نباید در وقوع این معجزات هیچ شکی کرد.

۱۵. عدم نقل منابع: بنای اربلی در بخش سیره کتاب کشف‌الغمه بر آن بوده که از منابع خود نام نبرد، گرچه در برخی موارد از این مینا عدول نموده و مآخذ خود را بیان کرده است. اربلی با ذکر همین منابع و مآخذ توانسته برخی آثار قدیمی را که در قرون بعدی از بین رفته است، در کتاب خود جای دهد. هم‌چنین اگر نسخه‌ای از کتاب و اجازه نقل از آن را نیز داشته، به آن اشاره می‌کند؛ از جمله در بحث تاریخ وفات حضرت، اربلی در طرح نظر شیعه ابتدا از دو روایت کمک گرفته است: روایت اول از ابن‌خشاب (از معاصران اربلی) که سلسله سند را نقل نکرده و تنها نام ابن‌خشاب و در نهایت امام باقر علیه السلام را ذکر کرده و می‌گوید: «نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ تَارِيخِ الْمُوَالِيدِ وَ وَفَيَاتِ اَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام وَ النِّسْخَةُ الَّتِي نَقَلْتُ مِنْهَا بِحَطِّ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الشَّهْرِبَانِيِّ» (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۱) و روایت دیگر از مرحوم طبرسی است. در موارد دیگر نیز با بیان جملاتی چون: «رَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ»، «قَالَ صَاحِبُ كِتَابِ التَّنْوِيرِ»، «ذَكَرَ الْقَاضِي فِي كِتَابِ الْبُرْهَانِ»، «رَوَى ابْنُ خَالَوَيْهِ فِي كِتَابِ الْآلِ»، «نَقَلَ الزَّخَّشَرِيُّ فِي كِتَابِهِ رِبْعِ الْاَبْرَارِ» و...

۱۶. ارائه آگاهی‌ها و اطلاعات تاریخی: اربلی در لابه‌لای مطالبی که عنوان می‌کند، گاهی اطلاعات رجالی و تاریخی با ارزشی به خواننده می‌دهد؛ به عنوان نمونه زمانی که گزارشی را درباره وفات پیامبر ﷺ نقل می‌کند، می‌گوید: من این مطلب را از نسخه‌ای که به خط علی بن محمد وضاح الشهربانی بود، نقل می‌کنم. سپس به معرفی وی پرداخته که «از اعیان و بزرگان علمای حنابله در آن زمان بوده و اربلی با وی رفت و آمد داشته و از وی برای نقل، اجازه داشته و در صفر سال ۶۷۲ از دنیا رفته است». (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۱)

۱۷. بهره‌گیری از منابع اهل سنت به منظور مقبولیت و به عنوان ابزار برای تأیید نظر خود: از نکات مهمی که اربلی در تألیف اثر خود بدان توجه داشته و پایبند بوده، این است که غالباً

اعتمادش در نقل‌ها بر کتب جمهور بوده است. این مطلبی است که اربلی در مقدمه کتاب عنوان داشته و علت این اعتماد را آن دانسته که این کار باعث پذیرش و مقبولیت گزارش‌ها از طرف مخالفان است؛ زیرا نشر فضیلت حسن است، به خصوص زمانی که حسود بر آن آگاه باشد و آوردن دلیل و شاهد از منابع مخالفان به نقل‌ها اعتبار بهتری می‌بخشد. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵) گرچه حجم مباحث سیره پیامبر ﷺ در کشف‌الغمه بسیار محدود است اما در همین مقدار محدود نیز بهره‌گیری قابل توجه از منابع اهل سنت کاملاً نمود دارد؛ به گونه‌ای که از مجموع ۱۴ مورد از منابعی که اربلی از آن‌ها نام برده، حدود ۱۱ مورد آن منابع اهل سنت است. البته در این گونه موارد اربلی از نقل‌های اهل سنت به عنوان ابزار و تأییدی در جهت اثبات دیدگاه شیعه استفاده نموده است؛ (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۹) از جمله در بیان وقایع روزهای آخر عمر پیامبر ﷺ، اربلی با استناد به کتاب ابی‌اسحاق ثعلبی روایتی را آورده که در آن تصریح شده، پیامبر ﷺ در جواب سؤال ابوبکر که چه کسی باید عهده‌دار غسل و کفن شما شود؟ فرمود: «رِجَالُ أَهْلِ بَيْتِي الْأَدْنَىٰ فَلَاذْنِي». (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵)

۱۸. تأکید بر مشترکات و مشهورات در ارائه مطالب: یکی از شیوه‌های قابل توجه اربلی در تدوین سیره پیامبر ﷺ این است که در نقل اقوال، ابتدا از اقوال مشترک و نظرات مشهور بهره برده و سپس وارد موارد اختلافی می‌شود.

۱۹. استفاده از نقل‌های اهل کتاب: وی از نقل‌های اهل کتاب (یهود) نیز بهره برده و متذکر نام کتاب آن‌ها نیز شده است. دو گزارش مورد استناد اربلی در بحث آیات و معجزات قبل از تولد حضرت، حاوی نکات مهم و جالبی است؛ به ویژه گزارش دوم که در آن به ملاقاتی که با یکی از علمای یهود داشته، اشاره نموده است، سپس ماجرای را که این عالم یهود از کتاب تورات نقل کرده، بیان می‌کند. در ابتدای این گزارش اربلی به دلیل اهمیت زیاد این نقل، نتیجه مترتب بر آن و عدم انکار و استبعاد آن را بیان کرده و تأکید می‌کند که مطالبی را که عالم یهودی برایش نقل کرده است، خود در تورات دیده و راویان دیگری نیز آن را نقل کرده‌اند. نکات مهمی که این روایت بیانگر آن است عبارتند از: اتصال پیامبر ﷺ به خاندان ابراهیم (علیه السلام)، برکت وجود حضرت برای آن خاندان، ریشه‌دار بودن نبوت حضرت در ادیان پیشین، استمرار و تداوم نسل این پیامبر از طریق دوازده امام معصومی که بعد از او خواهند آمد. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۱)

۲۰. توجه به نسب در سیره‌نویسی: اربلی نیز مانند دیگر مورخان و سیره‌نویسان، برای نسب

ارزش و جایگاه خاصی قائل است؛ به گونه‌ای که سلسله‌ای کامل از نسب پیامبر ﷺ ارائه و در پایان نیز خواننده را به کتب انساب ارجاع می‌دهد. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۵)

منابع اربلی

از آن‌جا که اربلی بنای پرداختن به سیره پیامبر ﷺ را نداشته و مباحث این بخش را با دید تبرک و تیمن مطرح نموده، در موارد کمی به منابع خود اشاره کرده است؛ این منابع عبارتند از: قرآن، تورات، انجیل، منابع شیعی و منابع اهل سنت.

منابع شیعی

۱. نهج البلاغه

۲. کتاب الآل؛ نویسنده این کتاب ابو عبدالله الحسین بن احمد بن خالویه (م ۳۷۰) است. وی اهل همدان بود؛ سپس برای تحصیل به بغداد رفت و در محضر مشایخ بزرگی چون: ابن درید، ابن مجاهد و ابن عمر الزاهد درس خواند. سپس در حلب سکونت گزید. آل حمدان بسیار او را بزرگ می‌داشتند و ادبا و بزرگان از همه نقات دور به دیدن وی می‌آمدند. (ابن خلکان، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۳۳۸) اربلی در یک مورد - بحث معجزات و امور خارق العاده - آن‌جا که خواب آمنه، مادر حضرت را نقل می‌کند، به این کتاب ارجاع می‌دهد.

۳. اعلام الوری طبرسی (م ۵۴۸)؛ مؤلف از این کتاب نیز در یک مورد - بحث تولد پیامبر ﷺ - استفاده نموده است. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲ و ج ۱، ص ۳۸ - ۳۴) البته احتمال دارد، نویسنده در جاهای دیگر کتاب خود نیز از این کتاب بهره برده باشد، ولی متذکر نشده است.

۴. التنویری مدح السراج المنیر؛ این کتاب از ابوالخطاب عمر بن الحسن بن دحیة کلیبی (م ۶۳۳) است. (ابن خلکان، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۲؛ حاجی خلیفه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۳۲) در جریان تاریخ وفات پیامبر ﷺ آن‌جا که مؤلف به بررسی اقوال پرداخته، در یک مورد از این کتاب بهره برده است.

۵. دیوان سید حمیری (م ۱۷۳)؛ در جریان هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، زمانی که حضرت در غار ثور پنهان شده بودند و نقل وقایع مربوط به آن، اربلی با استناد به اشعار سید حمیری بحث امداد

۱. منظور از منابع در این‌جا، منابعی است که اربلی در بحث سیره پیامبر (ص) از آن بهره برده است.

غیبی خداوند نسبت به رسولش را بیان می‌نماید. (اربلی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۸)

منابع اهل سنت

۱. **دلائل النبوة بیهقی** (م ۴۵۸): اربلی با ذکر روایتی از ابن عباس درباره اسامی حضرت آن‌جا که اوصافی چون «خیر اصحاب الیمین و سابقون» را برای حضرت می‌شمرد، از این کتاب استفاده کرده است.
۲. **صحیح مسلم** (م ۲۶۱): مؤلف در صفحه ۳۶ روایتی را از این کتاب نقل کرده که درباره زیارت پیامبر ﷺ از قبر مادرشان است، سپس با استناد به روایتی دیگر مردم را به زیارت قبور تشویق کرده است؛ به دلیل این‌که زیارت قبور مردم را به یاد مرگ می‌اندازد.
۳. **تاریخ الموالید الأئمه و وفیاتهم از ابن خثاب بغدادی** (م ۵۶۷): اربلی نسخه‌ای از این کتاب را که به خط شیخ علی بن محمد بن محمد بن الشهربانی (م ۶۷۲) که از بزرگان حنابله بوده، در اختیار داشته است. اربلی وی را ملاقات کرده و از وی اجازه نیز داشته است. روایت نقل شده از وی سندش به امام باقر علیه السلام می‌رسد و جای تعجب است یک فرد حنبلی در کتابش از امام باقر علیه السلام روایت نقل کرده باشد؛ شاید بتوان با این گزارش ثابت کرد حنابله در این دوران خط مشی معتدلی داشته‌اند.
۴. **ربیع الابزار و نصوص الاخبار ز مخشری** (م ۵۳۸): کتابی ادبی است (ابن خلکان، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۲؛ حاجی خلیفه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۳۲) که اربلی در ماجرای هجرت به مدینه زمانی که حضرت در بین راه میهمان ام‌معبد شده بود، در ضمن روایتی جالب و نسبتاً طولانی از این کتاب نقل کرده است.
۵. **مسند احمد** (م ۲۴۱): که در بحث معجزات پیامبر ﷺ از آن استفاده شده است.
۶. **البواقیت فی اللغة از ابو عمرو بن عبدالواحد الزاهد** (م ۳۴۵): (حاجی خلیفه، [بی‌تا] ج ۲، ص ۲۰۵۳) اربلی روایتی از امام صادق علیه السلام از پدرانشان از ابن عباس که دال بر جایگاه و شرف پیامبر ﷺ در روز قیامت است، از این کتاب نقل کرده است.
۷. **مصابیح السنة از ابو محمد الحسین بن مسعود الفرائ البغوی** (م ۵۱۶): (حاجی خلیفه، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۶۹۸) اربلی این کتاب را هم از جمله منابع خود قرار داده و در بحث مولد النبوی از آن استفاده کرده، گرچه نام کتاب را لحاظ نکرده و گفته است: «رَوَاهُ الْبَغَوِيُّ».

۸. معالم العترة النبوية و معارف اهل البيت الفاطمية علیهم السلام از ابو محمد عبدالعزیزبن محمد بن المبارک الحنبلی معروف به ابن اخضر الجنابذی (م ۶۱۱): (حاجی خلیفه، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۸۰۵) که در بحث اسماء پیامبر صلی الله علیه و آله از این کتاب استفاده شده است.

۹. الکشف و البیان فی التفسیر القرآن از ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی (م ۴۲۷): (حاجی خلیفه، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۴۸۸) این کتاب به نام تفسیر ثعلبی معروف است. گزارش نسبتاً طولانی از جریان بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و رحلت ایشان از این کتاب ذکر شده است. در این گزارش ابوبکر سؤال‌هایی از حضرت درباره کسی که ایشان را غسل داده و مراسم کفن و دفن و نماز بر ایشان را عهده‌دار خواهد شد، می‌پرسد.

به نظر می‌رسد اربلی در مباحث مربوط به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از کتاب دلائل النبوة بیهقی، اعلام الوری طبرسی، الخرائج و الجرائح راوندی و مناقب ابن شهر آشوب الگو گرفته باشد؛ گرچه در برخی قسمت‌ها نوآوری‌هایی وجود دارد که کاملاً روش او را از دیگران متمایز می‌نماید.

کتاب کشف الغمه، منبعی بسیار غنی و خوب برای علمای قرن هشتم تا دهم بوده و مورخین از گزارش‌های آن بهره فراوان برده‌اند. نسخه‌ها و چاپ‌های متعدد این کتاب از قرن هشتم به بعد، بهترین دلیل بر این مطلب است. البته این بهره‌برداری در بخش سیره ائمه علیهم السلام منحصر است؛ زیرا مطالب بخش سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در این کتاب غنی و کامل نیست؛ از این رو طبیعی است که مورخین بعدی در بحث سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به این کتاب مراجعه‌ای نداشته و ترجیح داده‌اند به مآخذی مراجعه نمایند که با نگاهی استقلالی و به طور تفصیلی به سیره نبوی پرداخته باشد.

نتیجه

روش اربلی در کتاب کشف الغمه، روشی علمی همراه با اعتدال و به دور از هرگونه تعصبات قومی و مذهبی است. با وجود این‌که فردی معتقد به تمامی اصول و مبانی شیعی است، اما برخوردی معتدل و رابطه‌ای دوستانه با علمای اهل سنت داشت. او در ضمن مباحث هر جا که زمینه لازم بود، در قالب انتقاد و اظهار تعجب، نظر خود را مطرح نموده و داوری را به خواننده واگذار می‌کند. وی از این‌که مباحث مربوط به ائمه علیهم السلام و مناقب آن‌ها در کتاب‌های اهل سنت مطرح نشده، اظهار تأسف نموده است.

از آن‌جا که از ابتدای تألیف کتاب تمرکزش بر مباحث سیره ائمه علیهم السلام بوده، با نگاهی بسیار

اجمالی و ناقص از کنار مطالب مربوط به سیره رسول خدا ﷺ گذشته است و خوانندگان را در این مورد به کتبی که به صورت مستقل به این بحث پرداخته‌اند، ارجاع داده است. البته از میان مطالب مربوط به سیره امام علی (علیه السلام) می‌توان گزارش‌های مربوط به پیامبر ﷺ را استخراج کرد، اما این هم در راستای همان نگاه استطرادی به سیره پیامبر ﷺ برای کسی که به دنبال بررسی تفصیلی سیره پیامبر ﷺ است، سودمند نیست.

با وجود این که محتوای گزارش‌ها برگرفته از آثار قبل است اما وی در برخی موارد نقل‌ها را از یکنواختی بیرون آورده و به آن تنوع بخشیده است. تخصص وی در حیطه ادبیات و اشتغالش به امور اداری و درباری باعث شده بود که جایگاه علمی و اجتماعی بالایی داشته باشد. بنای وی در نقل‌ها بر اختصار است و در بحث سیره رسول خدا ﷺ بسیار کم به نقد و بررسی گزارش‌ها پرداخته است. وی در کتاب خود از منابع اهل سنت بهره بسیار برده است اما نه بدین معنا که نظر آن‌ها را پذیرفته باشد بلکه از اقوال آن‌ها به عنوان تأیید و ابزاری در جهت اثبات نظر خود استفاده کرده است.

فهرست منابع

کتاب

قرآن

۱. ابن خلکان، شمس‌الدین احمد، **وفیات الاعیان**، تحقیق: احسان عباس، دارالثقافة، [بی‌تا].
۲. ابن کثیر، اسماعیل، **البدایة و النهایة**، تحقیق: شیری، چاپ اول: داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، **التذکرة الفخریة**، تحقیق: نوری حمودی القیسی و حاتم الصالح الضامن، المجمع العلمی العراقی، ۱۴۰۴ ق.
۴. _____، **کشف الغمة**، تحقیق: علی آل کوثر، المجمع العالمی، ۱۴۲۶ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، مؤسسه نشر ادب حوزة، قم، ۱۴۰۵ ق.
۶. امین، سید محسن، **اعیان الشیعة**، تحقیق: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، [بی‌تا].
۷. ابن فوطی، البغدادی، عبدالرزاق، **الحوادث الجامعة**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۸. تهرانی، آقا بزرگ، **الندریة**، چاپ سوم: دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۹. جعفریان، رسول، **علی بن عیسی اربلی و کشف الغمة**، چاپ اول: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۱۰. _____، **مجموعه مقالات تاریخی**، دفتر سوم و چهارم، دلیل ما، قم، ۱۳۸۷.
۱۱. _____، **منابع تاریخ اسلام**، چاپ اول: انصاریان، قم، ۱۳۷۶.
۱۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، **کشف الظنون**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، [بی‌تا].
۱۳. حر العاملی، محمد بن الحسن، **أمل الأمل**، تحقیق: سید احمد حسینی، دارالکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۶۲.
۱۴. حموی، یاقوت، **معجم البلدان**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۱۵. ذهبی، محمد بن احمد، **تاریخ اسلام**، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. صفدی، صلاح‌الدین خلیل، **الوافی بالوفیات**، تحقیق: احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. کتبی، محمد شاکر، **فوات الوفیات**، تحقیق: علی محمد بن یعوض الله و عادل احمد عبدال موجود، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیة، بیروت، ۲۰۰۰ م.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، چاپ دوم: موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

مجلات

۱. جعفریان، رسول، «آفاق جدیدة فی تاریخ التشیع»، **مجله تراثنا**، شماره ۵۵ و ۵۶، سال ۱۳۷۷.